

۲۳۳ - اوست خورشید درخشنده و بخشنده مهربان ای جمشید سپیده دمید و خورشید درخشید بهار رسید ابر فروردین گریست اردیبهشت کیهان را بهشت برین نمود سرو ببالید مرغ بامداد بنالید گل بشکفت و سوسن آزاد با زبان خاموش گوهر راز پنهان بسفت بزم کرم بر پا شد و جشن سده در چمن آشکار گشت جام جم در گردش آمد و آهنگ بارید بلند شد ساز و آواز بمیان آمد چنگی ترانه آغاز کرد و با چنگ و چغانه دمساز شد خمر باده و مل بجوش آمد در انجمن گل نوشانوش در گرفت مرغان چمن سرمست گشتند تذران می پرست شدند با همه این های و هوی و غرش و فریاد و گفتگوی و جنبش و آواز و گردش جام مشکبوی مرغانی بجستجو نیامدند و باین گلستان نشتاقتند تو آوازی برآر و فریادی بزن بلکه بیدار گردند و هوشیار شوند